

مقدمه

یکی از مسائل عمده در نظام تعلیم و تربیت، چگونگی آموزش، تربیت و پرورش افراد براساس نیازهای جامعه است. تحقق چنین هدفی مستلزم به کارگیری شیوه‌هایی است که مبتنی بر یافته‌های علمی، اصولی و عقلی باشند و لازم است در هر کشوری امکانات لازم برای تحقق چنین عملی که چندان هم ساده نیست، فراهم شود.

از طرف دیگر، رسالت مراکز آموزشی فقط بالا بردن محفوظات دانش‌آموزان نیست. در دین اسلام، اصول دین تقلیدی نیست و این بدان معناست که هر فرد باید مسائل دینی را از طریق تفکر

و استقلال فکری درک کند.

با توجه به اینکه دین و آموزش مسائل دینی یکی از جنبه‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی است که نقش آن در دوران کودکی بسیار چشمگیر است، معلمان باید با شیوه‌های اصولی آموزش مفاهیم دینی آشنا شوند. در این میان، «مفهوم خدا» به‌عنوان اساسی‌ترین مفهوم و زیر بنای اعتقادات، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

شیوه آموزش «مفهوم خدا» و اینکه چگونه تصویری درست و زیبا از او می‌توان ارائه داد، موضوعی است که باید به‌طور جدی به آن پرداخت. چرا که معلم هرگونه تصویری از خدا به دانش‌آموز ارائه دهد، او همان را می‌پذیرد و الگو قرار خواهد داد.

اگر معلمی درک درستی از این نوع آموزش‌ها نداشته باشد و انتقال مفاهیم دینی را بی‌اهمیت یا به منزله سایر دروس بداند، نمی‌توان گفت که کار انتقال مفاهیم دینی به خوبی صورت پذیرفته است.

خدا و «رابطه او با جهان هستی»، خصوصاً رابطه او با «انسان»، از مسائل مهم اندیشه کودکان است. آن‌ها می‌خواهند بدانند که «خدا کیست»، «چیست»، «چه می‌کند» و ده‌ها سؤال دیگر. پاسخ دادن به این سؤالات کار آسانی نیست و لازم است پاسخ‌دهنده کاملاً با شرایط و روحیات کودکان و همچنین

بررسی میزان مهارت معلمان در آموزش مفهوم خدا

سمیه محفوظی

اشاره

هدف از این پژوهش، سنجش میزان آگاهی، نگرش و مهارت معلمان ابتدایی شهرستان میبید در آموزش مفهوم خدا بوده است که با روش میدانی و با استفاده از دو نوع پرسش‌نامه «نگرش» و «آگاهی» انجام گرفت. جامعه آماری نیز، شامل تمامی معلمان ابتدایی پایه سوم تا پنجم شهرستان میبید (۱۸۰ نفر) بود. نتایج نشان دادند که ۷۲ درصد معلمان به سؤالات مربوط به آگاهی، پاسخ صحیح دادند و ۶۳/۵ درصد نیز نگرشی مطابق با یافته‌های روان‌شناسان دارند. از طرف دیگر، فقط ۴۲ درصد از معلمان شیوه آموزشی منطبق بر یافته‌های روان‌شناسی داشتند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که: «معلمان میبیدی در استفاده از شیوه‌های آموزشی مفهومی مفهوم خدا مهارت کافی ندارند، در حالی که آگاهی و اطلاعات آنان، و همچنین نوع نگرش آنان نسبت به آموزش مفهوم خدا در سطح خوبی است.»

* خوانندگان عزیز، توجه داشته باشند که مجله یافته‌های این پژوهش رانه رد می‌کند و نه تأیید، بلکه فقط به‌عنوان یک کارپژوهش ارائه شده به مجله چاپ می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش مفاهیم دینی، آموزش مفهوم خدا، مهارت معلمان ابتدایی، شهرستان میبید.

نحوه پاسخ‌گویی صحیح و اصولی به آنان آشنا باشد. لذا معلمان ابتدایی باید با شیوه‌های اصولی و علمی آموزش «مفهوم خدا» آشنا باشند و آن‌ها را به کار گیرند.

مهم‌ترین روش‌های آموزش مفهوم خدا ارائه الگو

این روش که بر مبنای تقلید از شخصیت‌های برجسته بنا شده، مورد تأیید دین اسلام است. چنانچه پیامبر(ص) را به‌عنوان «اسوه حسنه» معرفی کرده و اطاعت از او را امری واجب دانسته است. اهمیت این روش به اندازه‌ای است که گفته شده، با این سبک می‌توان مسائلی چون احکام دینی، رعایت عدالت، دوست داشتن حق و... را به دانش‌آموز منتقل کرد (قائمی، ۱۳۶۵: ۹۰). اگر معلمی بخواهد برای آموزش مفهوم خدا از این روش استفاده کند، می‌تواند با ارائه داستان انسان‌هایی که همه زندگی‌شان را وقف خدا کرده‌اند، این مهم را انجام دهد. داستان حضرت ابراهیم(ع) یا رشادت‌های امام حسین(ع) و یارانش، گزینه‌های خوبی برای این کار هستند.

داستان‌گویی

کودکان علاقه بسیاری به شنیدن داستان دارند و به خاطر ویژگی‌های خاص داستان، استفاده از این روش را برای انتقال مفاهیم دینی در دوره دبستان مؤثرترین روش در مقایسه با سایر روش‌ها دانسته‌اند (ر.ک. مظلومی، ۱۳۵۸: ۱۸۹). خداوند نیز در قرآن قصه را به‌عنوان یک عبرت برای انسان‌های خردمند معرفی کرده است: «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب» (یوسف / ۱۱۱). این نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده داستان‌گویی در امر تربیت است. در قرآن از هر داستان برای انتقال مفاهیم مخصوصی استفاده شده است و می‌توان از داستان‌های قرآنی در کلاس، متناسب با پیام و هدف درس بهره برد. مثلاً داستان زکریا در «سوره مریم» داستان خوبی است از امید به خدا داشتن و از رحمت حق ناامید نشدن. همچنین در این داستان، به قدرت و توانایی بی‌حد و حصر خداوند، اشاره شده است. معلمی که بخواهد مفهوم خدا را در این قالب بیان کند، می‌تواند با جست‌وجو در کتاب‌ها و داستان‌های قرآنی، نمونه‌ای متناسب با هدف کلی درس بیابد و در کلاس ارائه دهد.

تمثیل و تشبیه

مفهوم خدا مفهومی انتزاعی است و کودک با توجه به خصوصیات ذهنی‌اش قابلیت درکش را ندارد، ولی می‌توان با استفاده از مثال و تشبیه، به شناخت او کمک کرد. استفاده از تمثیل باعث عینی‌تر شدن مفهوم خدا در ذهن دانش‌آموز خواهد شد. معلم در استفاده از این روش ابتدا باید به اهداف درس توجه داشته باشد و بداند که می‌خواهد چه تصویری از خدا ارائه دهد. بعد برای درک بهتر، با خلاقیت و هنرمندی خود، مثال‌های مناسبی پیدا کند و به کار بندد. مثلاً گفته شده است که: «برای درک مفهوم خدا، در همه جا، نور تمثیلی بسیار غنی است» (یاب، ۱۳۸۰: ۸۰). خداوند در قرآن نیز خود را نور آسمان‌ها و زمین معرفی کرده است: «الله نور السموات و الارض» (نور / ۳۵).

استفاده از طبیعت

طبیعت آینه تمام‌نمای وجود خدا و تصویری زیبا از صفات اوست که با زبان بی‌زبانی بهترین درس‌ها را درباره خدا به انسان می‌آموزد. قدرت لایزال الهی، علم و آگاهی، و مهر و عطوفتش از جمله این درس‌هاست. خداوند نیز انسان‌ها را به تدبیر در جهان طبیعت دعوت می‌کند و آن را آیتی برای خود می‌داند: «و من آياته خلق السموات و الارض و ما بث فیهما من دابة» (شوری / ۲۹).

در این روش، معلم می‌تواند مثال‌هایی از جهان اطراف ارائه دهد و یا گردش علمی تدارک ببیند. این نحوه تدریس، فعال و پویاست و با اصول صحیح روان‌شناسی سازگاری دارد.

استفاده از شعر و سرود

در مواردی که دانش‌آموز قادر به خواندن و نوشتن نیست و یا درک درستی از مفاهیم پیچیده مذهبی ندارد، می‌توان از طریق شعر و سرود به درک بهتر کودک کمک کرد. انتخاب شعرها باید متناسب با سن دانش‌آموز و فهم و درک او باشد.

استفاده از هنر و معماری

آموزش از طریق هنر و معماری به کار رفته در مکان‌های مقدس که بیانگر مفاهیمی خاص از خداست، می‌تواند عظمت خدا را به یاد بیننده بیاورد و یا احساس حضور خدا را در انسان زنده کند. معلم برای تدریس درس خداشناسی

۷۶ درصد
معلمان از نظر
دانش‌آموزان
در تدریس
استفاده
می‌کنند که این
نوع بهره‌گیری
از نظرات
دانش‌آموزان
با اصول و
روش‌های
صحیح آموزش
در دوره ابتدایی
همخوانی دارد



**از معلمان
پرسیده شده
که آیا مطالب
کتاب برای
آموزش مفهوم
خدا کافی
است یا خیر که
۸۷/۷ درصد
آنان به این
سؤال جواب
منفی داده‌اند**

می‌تواند دانش‌آموزان را به مکان‌های مذهبی مثل مسجد یا امام‌زاده‌ها ببرد و با توجه دادن آن‌ها به این طرح‌ها، عملاً بیاموزد که چگونه انسان‌ها در عصرهای مختلف از طریق هنر و معماری عشق خود را به خدا به تصویر کشیده‌اند. در این روش که با حس زیباشناسی کودک در ارتباط است، مفاهیم به زیبایی، منتقل می‌شوند و پیوندی جالب بین فرد، خدا و مکان‌های مقدس برقرار می‌شود.

سؤالات تحقیق

۱. آیا بین شیوه‌های آموزش مفهوم خدا (مهارت) و یافته‌های روان‌شناسی در زمینه یاددهی - یادگیری رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین میزان آگاهی معلمان در رابطه با مفهوم خدا و یافته‌های روان‌شناسی رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین نگرش معلمان در رابطه با مفهوم خدا و یافته‌های روان‌شناسی رابطه وجود دارد؟

تحلیل و بررسی یافته‌های پژوهش بررسی میزان آگاهی معلمان

برای بررسی این متغیر از ۳ سؤال استفاده شد:

۱. در پاسخ‌گویی به کودکان درباره سؤال «خدا کیست؟» چگونه پاسخ خواهید داد؟
۶۰ درصد از معلمان اظهار داشتند که پیدا کردن جواب را به عهده خود دانش‌آموزان می‌گذارند. این نظر مطلوب است، چون که دانش‌آموز را عنصری فعال، در نظر گرفته تا خود به تحقیق بپردازد.
۲. برای شناخت خدا بهتر است کدام جنبه وجودی او را بیشتر آموزش دهیم؟
در این سؤال معلم باید پاسخ دهد که کدام جنبه وجودی خدا برای آموزش مناسب‌تر است: ذات خدا، صفات خدا، نعمت‌هایش و یا عذاب‌هایی که در برابر اعمالمان نصیبمان خواهد شد. ۸۷/۷ درصد از معلمان نعمت‌های خداوند را انتخاب کرده‌اند که گزینه مناسبی است و با نظریات روان‌شناسی مطابقت دارد. از طرف دیگر، با آموزه‌های قرآن نیز که همواره تصویری از مهربانی خدا ترسیم کرده‌اند، هماهنگ است.

۳. اگر دانش‌آموزی سؤال کند چرا خدا برای حل مشکلات بشر کاری نمی‌کند، چه می‌گویید؟
۷۰ درصد از معلمان اظهار داشته‌اند که به دانش‌آموز خود کمک می‌کنند تا خوش‌بینانه به مسائل نگاه کند.

با توجه به آمار ارائه شده در این بخش می‌توان نتیجه گرفت که ۷۲ درصد از معلمان به سؤالات پاسخ صحیح دادند. لذا میزان آگاهی آن‌ها با یافته‌های روان‌شناسی رابطه معناداری دارد.

بررسی نگرش معلمان

برای ارزیابی این مهم، شش سؤال طراحی شد. نکات به دست آمده به شرح زیرند:

۱. به نظر شما برای انتقال مفاهیم وجود خدا، استفاده از مطالب کتب درسی کافی است؟
در این سؤال مطالب کتاب‌های درسی مورد سؤال قرار گرفته و از معلمین پرسیده شده که آیا مطالب کتاب برای آموزش مفهوم خدا کافی است یا خیر که ۸۷/۷ درصد آنان به این سؤال جواب منفی داده‌اند.
۲. به نظر شما بهتر است در دوره ابتدایی برای انتقال مفهوم خدا از روش عینی استفاده کرد؟
۳. به نظر شما بهتر است در دوره ابتدایی برای انتقال مفهوم خدا به کودک از روش انتزاعی استفاده کرد؟
۶۳/۳ درصد از معلمان استفاده از روش عینی را مفید دانسته‌اند و ۳۶/۷ درصد استفاده از روش انتزاعی.
- این در حالی است که حدود ۳۴/۴ درصد از معلمان در مورد روش عینی و ۲۶/۶ درصد در مورد روش انتزاعی اطلاعات لازم را ندارند که در مجموع ۶۰ درصد از معلمان را شامل می‌شود.
۴. به نظر شما اگر دانش‌آموزی بگوید می‌خواهم خدا را ببینم، درست است که به او بگویید یک روز همه آدم‌ها به سوی خدا می‌روند؟
۸۱/۱ درصد این جواب را درست ندانستند. اما با توجه به نظریات روان‌شناسی و با توجه به آیه قرآنی «انا لله و انا الیه راجعون»، می‌توان گفت که جواب صحیح «بله» است که فقط ۱۳/۳ درصد این گزینه را انتخاب کردند.
۵. به نظر شما بحث‌های مربوط به هستی (اوصاف هستی) در دوره ابتدایی باید مطرح شود؟



مهارت معلمان	۴۲ درصد
آگاهی معلمان	۷۲ درصد
نگرش صحیح معلمان	۶۳/۵ درصد

نمودن خصوصیات غیرمادی در حقیقت سخن گفتن از مفاهیم انتزاعی است که کودک دبستانی به خاطر ذهن و اندیشه‌اش نمی‌تواند این نوع آموزش‌ها را درک کند و در حقیقت این نوع بحث‌ها بی‌فایده‌اند.

۳. اگر دانش‌آموزی از شما سؤال کند چرا خدا را نمی‌بیند، به نظر شما بهترین راه پاسخ‌گویی به او چیست؟

معلمان روش داستان‌گویی (۴۳/۳ درصد) و توجه دادن دانش‌آموز به طبیعت (۴۱/۱ درصد) را انتخاب کردند.

معلمان زن بهترین روش را «داستان‌گویی» (۵۳/۴۸ درصد) و معلمان مرد بهترین روش را توجه دادن دانش‌آموز به طبیعت (۴۲/۲ درصد) دانستند. به علت قرار داشتن کودک در مرحله عینی و اینکه او آنچه را یاد می‌گیرد که برایش ملموس‌تر باشد، روش توجه دادن کودک به طبیعت برای پاسخ این سؤال بهترین گزینه است.

با توجه به شیوه پاسخ‌گویی معلمان و جمع‌بندی آمار، مشخص می‌شود که ۴۲ درصد از معلمین دارای مهارت خوبی در تدریس آموزش مفهوم خدا هستند. لازم به ذکر است که نزدیک به ۶۰ درصد معلمان چنین مهارتی را ندارند و این رقم مطلوب نیست.

نتیجه‌گیری

۱. در پژوهش حاضر ۸۷ درصد از معلمان معتقدند، کتاب‌های درسی برای آموزش مفهوم خدا از کیفیت لازم برخوردار نیست.
۲. با وجود آگاهی و اطلاعات خوب معلمان درباره آموزش مفهوم خدا، آن‌ها از مهارت چندان‌ی در تدریس برخوردار نیستند.
۳. با توجه به نحوه پاسخ‌گویی معلمان به سؤالات مربوط به نگرش، مشخص شد ۶۳/۵ درصد از آن‌ها نگرشی مطابق با یافته‌های روان‌شناسی دارند.

در این سؤال تدریس درس خداشناسی به شیوه فلسفی مورد بحث است که ۷۱/۱ درصد معلمان این روش را مطلوب ندانستند و این با یافته‌های روان‌شناسی مطابقت دارد. زیرا که کودک دارای ذهنی انتزاعی نیست و قدرت درک مسائل خشک فلسفی را ندارد.

۶. آیا تاکنون شده است که برای پاسخ‌گویی دانش‌آموزان درباره مفهوم خدا نظر آن‌ها را بپرسید؟

۷۶ درصد معلمان از نظر دانش‌آموزان در تدریس استفاده می‌کنند که این نوع بهره‌گیری از نظرات دانش‌آموزان با اصول و روش‌های صحیح آموزش در دوره ابتدایی همخوانی دارد. با توجه به آمار بالا می‌توان گفت ۶۳/۵ درصد از معلمان نگرشی مطابق با یافته‌های روان‌شناسی دارند.

کبررسی میزان مهارت معلمان

به این منظور سه سؤال طراحی شد و با توجه به نحوه پاسخ‌گویی معلمان نتایج استخراج شد:

۱. بهترین روش آموزش مفهوم خدا را کدام روش می‌دانید؟

۷۵/۵ درصد از معلمان «توجه به امور طبیعی و تطابق آن با زندگی روزمره» را انتخاب کردند. روش‌های دیگر، یعنی روش ارائه الگو، روش مشاهده مستقیم و استدلال‌های فلسفی تقریباً به یک اندازه مورد توجه قرار می‌گیرند و در کل ۲۷ درصد از معلمان از این روش‌ها استفاده می‌کنند.

لازم به ذکر است که با توجه به نظر پیاژه و اصول روان‌شناسی، در این سن در زمینه تحول شناختی، کودکان دبستانی در مرحله عملیات عینی قرار دارند و آنچه را یاد می‌گیرند که خود شخصاً تجربه می‌کنند. لذا دیگر روش‌ها رد نمی‌شوند، ولی برترین روش براساس نظر پیاژه روش توجه دادن به طبیعت و امور محسوس واقعیت‌های عینی و روزمره زندگی است.

۲. با توجه به اینکه تصور کودک از خدا تصویری مادی است، شما چگونه این مفهوم را تدریس می‌کنید؟

۵۲/۲ درصد از معلمان خدا را به صورت غیرمادی معرفی می‌کنند، چون واقعی‌تر است. ۱۰ درصد نیز بیان کرده‌اند که خدا را به صورت مادی معرفی خواهند کرد. بیان

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. باهنر، ناصر (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد. شرکت و چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی. تهران.
۳. قائمی، علی (۱۳۷۶). پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان. انتشارات امیری. تهران.
۴. ——— (۱۳۷۴). تقویت نگرش و رفتار دینی در دانش‌آموزان. انتشارات امیری. تهران.
۵. کدیور، پروین (۱۳۸۲). روان‌شناسی تربیتی. انتشارات سمت. تهران.
۶. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰). روان‌شناسی پرورشی، (روان‌شناسی یادگیری و آموزش). انتشارات آگاه. تهران.
۷. یاب، آبریس (۱۳۸۰). کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا. ترجمه مسعود، حاجی‌زاده. انتشارات صابرین. تهران.
۸. مظلومی، رجبعلی (۱۳۵۸). گامی در مسیر تربیت. آفاق. تهران.